

During a popular initiative, on December 29, 2009, a ban on the construction of minarets for mosques, and on April 28, 1400, in another popular initiative, a ban on burqa was approved by the majority of voters and the majority of Swiss cantons. The Swiss Constitution was included. The passage of the two bans once again raised the issue of the possibility of majority tyranny and the abuse of minority rights through popular initiative as a tool of direct democracy. This article uses analytical and inferential methods to answer the question of whether these popular initiatives have led to the tyranny of the majority and the violation of the religious rights of Swiss Muslims enshrined in the European Convention on Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights. According to the findings of this study, the results of the polls related to the popular initiatives of the minaret and burqa have violated the religious freedoms of Swiss Muslims and have also discriminated against Muslims in terms of religious places and type of cover compared to followers of other religions.

**استبداد اکثریت از طریق ابتکار مردمی؛ ممنوعیت مناره و برقع در سوئیس**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۵

علیداد شهبازی<sup>۱</sup>خیرالله پروین<sup>۲</sup>منصور فرخی<sup>۳</sup>**چکیده**

طی یک ابتکار مردمی در هشتم آذرماه ۱۳۸۸ ممنوعیت ساخت مناره برای مساجد و در تاریخ هشتم فروردین ۱۴۰۰ در یک ابتکار مردمی دیگر ممنوعیت برقع به تصویب اکثریت رأی دهندگان و اکثریت کانتون‌های سوئیس رسید و به این ترتیب ممنوعیت ساخت مناره و ممنوعیت پوشیدن برقع در متن قانون اساسی سوئیس گنجانده شد. تصویب این دو ممنوعیت بار دیگر بحث‌های مربوط به امکان وقوع استبداد اکثریت و تضییع حقوق اقلیت‌ها از طریق ابتکار مردمی به عنوان یکی از ابزارهای دموکراسی مستقیم را مطرح کرد. این مقاله با روش تحلیلی و استنتاجی می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا ابتکارات مردمی نامبرده منجر به استبداد اکثریت و نقض حقوق مذهبی مسلمانان سوئیس مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شده است. طبق یافته‌های این پژوهش، نتایج رأی‌گیری‌های مربوط به ابتکارات مردمی مناره و برقع موجب نقض آزادی‌های مذهبی مسلمانان سوئیس گردیده و همچنین در مقایسه با پیروان سایر ادیان، مسلمانان را از حیث امکان مذهبی و نوع پوشش تحت تبعیض قرار داده است.

واژگان کلیدی: ابتکار مردمی، دموکراسی مستقیم، استبداد اکثریت، ممنوعیت مناره، ممنوعیت برقع، قانون اساسی سوئیس

مهم ترین ویژگی دموکراسی مشارکت مردم در امر حکومت است (دوبنوا، ۱۳۷۸، ۱۱۶). از همین رو دموکراسی مستقیم به سرعت در حال تبدیل شدن به ابزاری محبوب برای سیاست گذاری در دموکراسی های مدرن است و کشورها به طور فزاینده ای از ابزارها و مکانیسم های دموکراسی مستقیم در سطوح محلی، منطقه ای و فدرال بهره می برند (Hainmueller & Hangartner, 2012, 27). به گفته برخی از محققین؛ مجالس قانونگذاری به تدریج به عنوان خالقان اصلی سیاست های عمومی تحت الشعاع قرار می گیرند (Matsusaka, 2005, 157) و ابتکار مردمی به عنوان یکی از ابزارهای دموکراسی مستقیم که خالص ترین گونه ی مشارکت مردم را به نمایش می گذارد، جایگاه قابل توجهی را در امر قانونگذاری کسب می کند. با وجود آن که جذابیت های آشکاری در نزدیک تر کردن سیاست گذاری به مردم وجود دارد، یکی از نگرانی های مهم این است که گرایش به دموکراسی مستقیم به ویژه قانونگذاری از طریق ابتکار مردمی، حقوق و منافع اقلیت هایی که در برابر استبداد اکثریت آسیب پذیر هستند را تهدید می کند.

یکی از رایج ترین و ساده ترین تعاریف دموکراسی که جایگاه اقلیت را به خوبی ترسیم می کند این تعریف است که دموکراسی را حکومت اکثریت با حفظ حقوق اقلیت می داند (هکی، ۱۳۸۹، ۱۳۸). در گستره ی مفهوم شناسی دموکراسی دو نوع اقلیت قابل تصور است. نوع اول، اقلیت سیاسی یا اپوزسیون است که می تواند از طریق نقد فعالیت های اکثریت و ارائه برنامه های بهتر و کسب آراء عمومی، جایگزین گروه سیاسی حاکم شود و به اکثریت تبدیل شود (هاشمی، ۱۳۸۴، ۴۳۳). بدیهی است که اکثریت سیاسی حاکم باید به اقلیت سیاسی احترام بگذارد، حقوق وی را محترم شمرد و زمینه ابراز انتقاد و ارائه برنامه هایش را فراهم نماید (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۱، ۱۲۷). نوع دوم اقلیت که موضوع بررسی ما در این پژوهش می باشد، اقلیت هایی مانند اقلیت های قومی، زبانی و مذهبی اند که به دلیل تعداد کم اعضایشان و ویژگی های اجتماعیشان نمی توانند به اکثریت سیاسی حاکم تغییر وضعیت دهند و در کشور، ایالت یا شهر متبوعشان همواره در اقلیت هستند. از همین رو حفاظت از حقوق و منافع نوع دوم اقلیت اهمیت مضاعفی پیدا می کند و در اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشری و قوانین اساسی بسیاری از کشورها حفظ و تضمین حقوق این اقلیت ها مورد تاکید قرار گرفته است. مسلمانان کشور سوئیس اقلیت خاص مورد مطالعه ی ما در این تحقیق را تشکیل می دهند. بر اساس آمارهای رسمی منتشره توسط دولت سوئیس، مسلمانان بالغ بر پنج درصد جمعیت این کشور را تشکیل می دهند و اکثر آنان از شبه جزیره بالکان و ترکیه به سوئیس مهاجرت کرده اند و در هیچ یک از کانتون ها از اکثریت عددی برخوردار نیستند (BFS, 2022, 1).

پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا و بار دیگر در پی ظهور و گسترش داعش در خاور میانه، رسانه ها و احزاب افراطی ملی گرای کشورهای غربی با انتساب خلاف واقع این رویدادها به اسلام و مسلمانان و سوء استفاده از موقعیت های پیش آمده، موج سنگینی از اسلام هراسی را در اروپا و آمریکا به راه انداختند (کریمی، ۱۳۸۹، ۱۰۳). این فعالیت های تبلیغاتی ضد اسلامی در مواردی به فرایندهای قانونگذاری هم راه یافت و در قالب قانون، محدودیت های تبعیض آمیزی را به مسلمانان این کشورها تحمیل نمود (یزدان پناه، عیسی پور و نجات پور، ۱۳۹۱، ۱۳۹). دو مورد از این فرایندهای قانونگذاری مبتنی بر اسلام هراسی در سوئیس به وقوع پیوست. طی یک ابتکار مردمی در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۹ ممنوعیت ساخت مناره برای مساجد و در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۲۱ در یک ابتکار مردمی دیگر ممنوعیت برقع به تصویب اکثریت رأی دهندگان و

اکثریت کانتون‌های سوئیس رسید و به این ترتیب ممنوعیت ساخت مناره و ممنوعیت پوشیدن برقع در متن قانون اساسی سوئیس گنجانده شد. تصویب این دو ممنوعیت بار دیگر بحث‌های مربوط به امکان وقوع استبداد اکثریت و تضییع حقوق اقلیت‌ها از طریق ابتکار مردمی به عنوان یکی از ابزارهای دموکراسی مستقیم را مطرح کرد. این مقاله با روش تحلیلی و استنتاجی می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا ابتکارات مردمی نامبرده منجر به استبداد اکثریت و نقض حقوق مذهبی مسلمانان سوئیس شده است. به این منظور، نخست ابتکار مردمی به عنوان یکی از ابزارهای دموکراسی مستقیم در سوئیس مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به ظهور و بروز استبداد اکثریت و نقض حقوق اقلیت‌ها از گذر و در نتیجه‌ی ابتکارهای مردمی پرداخته می‌شود و بخش پایانی این پژوهش به بررسی نقض حقوق مسلمانان سوئیس و اعمال تبعیض علیه آنان متعاقب تصویب ابتکارهای مردمی ممنوعیت ساخت مناره برای مساجد و ممنوعیت پوشیدن برقع اختصاص خواهد داشت.

## ۱ ابتکار مردمی در سوئیس

سیستم سیاسی سوئیس اغلب به عنوان یک دموکراسی نیمه مستقیم توصیف می‌شود، زیرا عناصری از دموکراسی نمایندگی را با مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم ترکیب می‌کند (Linder & Mueller, 2021, 120). به این ترتیب که به طور عادی قدرت سیاسی توسط نمایندگان اعمال می‌شود اما شهروندان می‌توانند در برخی شرایط به صورت مستقیم در اعمال قدرت سیاسی دخالت کنند. به عبارت دیگر درست است که عموماً قانون توسط مجلس نمایندگان تصویب می‌شود، با این حال مردم گاهی می‌توانند قدرت تصمیم‌گیری را از نمایندگان بگیرند و خود به صورت مستقیم در امر سیاسی دخالت کنند (Jones & Scully, 2012, 5). به راه‌های اعمال مستقیم قدرت سیاسی ابزارهای دموکراسی مستقیم در نظام‌های دموکراسی نیمه مستقیم می‌گویند (Chantebout, 1991, 211). ابزارهای دموکراسی مستقیم در سوئیس عبارتند از؛ همه‌پرسی اجباری، همه‌پرسی اختیاری و ابتکار مردمی. همه‌پرسی اجباری از سال ۱۸۴۸ در قانون اساسی سوئیس پیش‌بینی شده و بدین معنی است که هر مصوبه مجلس فدرال که مفاد آن به منزله اصلاح در قانون اساسی باشد باید در یک همه‌پرسی به تصویب اکثریت شهروندان و اکثریت کانتون‌ها برسد تا لازم‌الاجرا شود (Benedikter, 2021, 121). رای کانتون‌ها بر اساس نتیجه رای مردم در کانتون مربوطه تعیین می‌شود. الحاق به سازمان‌های امنیت جمعی و سازمان‌های فراملی مشمول همه‌پرسی اجباری است. همه‌پرسی اختیاری از سال ۱۸۷۴ به عنوان ابزار دموکراسی مستقیم به رسمیت شناخته شده و به موجب آن پنجاه هزار نفر شهروند یا هشت کانتون می‌توانند در مورد قانونی که توسط پارلمان فدرال تصویب شده اما هنوز لازم‌الاجرا نشده است، درخواست همه‌پرسی کنند. مدت مجاز برای جمع‌آوری امضاء یکصد روز از تاریخ ابلاغ متن قانون می‌باشد (Verhulst & Nijeboer, 2007, 47). این نوع همه‌پرسی که در واقع به چالش کشیدن مصوبه پارلمان فدرال است برای موفقیت یعنی تایید مصوبه‌ی پارلمان فقط به رای موافق اکثریت مطلق رای دهندگان نیاز دارد (Schuler & Dessemontet, 2013, 2). سومین ابزار دموکراسی مستقیم ابتکار مردمی است که از سال ۱۸۹۱ به رسمیت شناخته شده و بر اساس این اجازه قانونی یکصد هزار نفر از شهروندان می‌توانند درخواست کنند که یک اصلاح کلی یا جزئی قانون اساسی فدرال سوئیس به رای گذاشته شود. این پیشنهاد در صورت کسب اکثریت مضاعف یعنی به دست آوردن رای موافق

اکثریت مطلق شهروندان و اکثریت مطلق کانتون‌ها به متن قانون اساسی افزوده می‌شود (Benedikter, 2021, 121). در حال حاضر تعداد امضاءهای لازم برای یک ابتکار مردمی کمی کمتر از دو درصد شهروندان واجد شرایط رای دادن است اما علیرغم این نیاز درصدي پایین، فراوانی استفاده از این ابزار نسبتاً ثابت بوده است و به طور متوسط چهار ابتکار عمومی در سال ارائه می‌شود (Moeckli, 2011, 777). با عنایت به اینکه این پژوهش صرفاً به بررسی تاثیر ابتکارهای مردمی بر حقوق اقلیت مسلمان سوئیس می‌پردازد و همه پرسشی‌های اجباری و اختیاری خارج موضوع مورد بحث ما می‌باشد، در ادامه این بحث به اختصار هم به کلیات ابتکار عمومی و هم فرایند، شروط قانونی و حوزه شمول ابتکار مردمی در سوئیس اشاره می‌شود تا دست‌یابی به پاسخ سوال تحقیق را تسهیل نماید.

#### ۱.۱ فرایند ابتکار مردمی در سوئیس

طبق مفاد مواد ۶۸ و ۶۹ قانون فدرال حقوق سیاسی قبل از شروع جمع‌آوری امضاء برای ابتکار عمل مردم فدرال برای بازنگری جزئی قانون اساسی فدرال، نخست باید متن طرح را برای بررسی اولیه رسمی به صدراعظم فدرال (دبیر شورای وزیران) ارائه کرد. صدراعظم فدرال بررسی می‌کند که عنوان ابتکار مردمی پیشنهاد شده گمراه‌کننده، تبلیغاتی یا گیج‌کننده نباشد، ترکیب کمیته‌ی آغاز ابتکار متشکل از ۷ تا ۲۷ رای‌دهنده باشد و لیست امضاءهای پیشنهاد دهندگان کامل باشد. پس از کنترل ابتکار مردمی توسط صدراعظم فدرال از حیث شرایط قانونی یادشده، متن ابتکار پیشنهادی در روزنامه رسمی فدرال منتشر می‌شود. بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی فدرال سوئیس با انتشار متن ابتکار پیشنهادی در روزنامه فدرال، مهلت ۱۸ ماهه آغاز می‌شود که در آن مدت باید یکصد هزار امضاء معتبر جمع‌آوری شود. مطابق ماده ۷۲ قانون فدرال حقوق سیاسی در نهایت، لیست‌های امضا باید به موقع و به طور کامل و جداگانه برای هر کانتون به صدراعظم فدرال در کاخ فدرال ارائه شود. سپس از طریق یک حکم منتشر شده در روزنامه فدرال مشخص می‌شود که آیا تعداد صد هزار امضاء معتبر اخذ شده است یا خیر و آیا ابتکار مردمی در نتیجه رسماً تحقق یافته است یا خیر. مطابق ماده ۹۷ قانون پارلمان، یک ابتکار مردمی که به طور رسمی به وجود آمده، ظرف مدت یک سال توسط دولت فدرال مورد بحث قرار می‌گیرد. در صورت ارائه پیشنهاد متقابل نسبت به ابتکار، دولت می‌تواند مهلت بررسی را تا یک سال و نیم افزایش دهد. مذاکرات قوه مجریه در نهایت به پیام شورای فدرال در مورد ابتکار عمل مردمی مربوطه منجر می‌شود. این پیام یا بیانیه‌ی دولت فدرال گزارش مفصلی است ابتدا به اعتبار ابتکار، یعنی الزامات وحدت‌شکل، وحدت موضوعی و سازگاری با مقررات الزامی حقوق بین‌الملل می‌پردازد. در این بیانیه امکان سنجی واقعی ابتکار مردمی هم به عنوان یک پیش‌نیاز ارزیابی می‌شود. این گزارش پیامدهای قانونی تصویب احتمالی ابتکار مردمی را بررسی می‌کند. نظرات کارشناسی نیز اخذ و در گزارش ذکر می‌شود. دولت فدرال این بیانیه را به مجمع فدرال (متشکل از مجلس فدرال و شورای کانتون‌ها) تقدیم می‌کند و تصویب یا رد ابتکار پیشنهاد شده را توصیه می‌کند. بر طبق ماده ۱۰۰ قانون پارلمان ابتکار مردمی باید توسط مجلس فدرال ظرف مهلت دو سال و نیم پس از ارائه آن مورد بحث قرار گیرد. به محض اینکه یکی از دو مجلس پیشنهاد متقابلی را برای ابتکار مردمی تصویب و ارائه کند، دو مجلس می‌توانند دوره بررسی خود را به سه سال و نیم افزایش دهند. در مجلس فدرال در مورد اعتبار ابتکار تصمیم‌گیری می‌شود. ممکن است تمام یا بخشی از متن یک ابتکار مردمی باطل اعلام شود. تاکنون چهار طرح باطل اعلام شده و در یک مورد، بخشی از یک ابتکار باطل اعلام شد. بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی فدرال برای اینکه یک ابتکار

مردمی معتبر باشد، نباید وحدت شکل، وحدت ماده و قوانین بین المللی اجباری را نقض کند. در صورتی که یک ابتکار مردمی به طور کامل یا جزئی معتبر اعلام شود، مجمع فدرال نظر رسمی خود را در قالب یک مصوبه تصویب و اعلام می کند. این مصوبه می تواند شامل تایید ابتکار همراه با یا بدون یک پیشنهاد متقابل باشد و یا شامل ردّ ابتکار همراه با یا بدون یک پیشنهاد متقابل باشد. در همه این موارد، تصمیم مجلس صرفاً خصلت توصیه ای برای توجه رای دهندگان دارد و قدرت تصمیم گیری در اختیار مردم (رای دهندگان) اسمی باشد. طبق ماده ۹۹ قانون پارلمان متن طرح ابتکاری را نمی توان توسط پارلمان تغییر داد. دولت فدرال ابتکار مردمی را ظرف مدت ده ماه پس از رای نهایی دو مجلس و یا حداکثر ده ماه پس از پایان مهلت تعیین شده برای پارلمان (در صورت عدم رعایت مهلت توسط پارلمان) برای رای گیری عمومی ارائه می کند. برای اینکه یک طرح مردمی برای اصلاح جزئی قانون اساسی فدرال پذیرفته شود، باید اکثریت مضاعف را به دست آورد: اکثریت همه آرای معتبر (به اصطلاح اکثریت مردمی) و در عین حال اکثریت آرای معتبر در اکثریت کانتون ها (به اصطلاح اکثریت کانتونی).

### ۱.۲ گستره ی موضوعی ابتکار مردمی در سوئیس

از طریق ابتکار مردمی، سوئیس ها می توانند تقریباً در مورد هر موضوع سیاسی خواستار برگزاری همه پرسی شوند. هیچ حوزه ای وجود ندارد که به طور قطعی از شمول این ابزار دموکراسی مستقیم مستثنی شده باشد. تنها موضوعاتی که از دموکراسی مستقیم مستثنی شده اند، کنوانسیون های بین المللی است که قبلاً توسط سوئیس تصویب شده است. (Benedikter, 2021, 121). به بیلن دیگر، هر اقدامی که بتوان آن را به عنوان یک هنجار قانون اساسی تدوین کرد، ممکن است از طریق یک ابتکار عمومی پیشنهاد شود. ابتکار مردمی می تواند شامل پیشنهادهایی باشد که مستلزم تغییرات اساسی در سیستم سیاسی سوئیس است، مانند پیشنهاد انحلال نیروهای مسلح یا الحاق سوئیس به اتحادیه اروپا. در سال های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۱ دو ابتکار مردمی با پیشنهاد انحلال ارتش سوئیس و در سال ۲۰۰۱ ابتکار مردمی با موضوع ورود به مذاکرات برای پیوستن سوئیس به اتحادیه اروپا به رای عمومی گذاشته شد که همه این موارد توسط رای دهندگان رد شدند (Moeckli, 2011, 77). بنابراین، در عمل ممکن است طیف وسیعی از موضوعات از قبیل کشاورزی، زیرساخت ها، انرژی، یا نیروهای مسلح یا مسائل اجتماعی از طریق ابتکار مردمی پیشنهاد و به رای گذاشته شود. (Schuler & Dessemontet, 2013, 2).

### ۱.۳ محدودیت های شکلی و محتوایی ابتکار مردمی

بر اساس بند ۳ اصل ۱۳۹ قانون اساسی فدرال اولاً، ابتکار مردمی باید به شکل یک پیشنهاد کلی یا یک پیش نویس دقیق و با جزئیات باشد. ثانیاً باید قاعده تک موضوعی را رعایت کند. این بدان معناست که یک لایحه ابتکار مردمی نمی تواند دو یا چند موضوع را در برگیرد (Benedikter, 2021, 121). ثالثاً، نباید با هنجارهای اجباری حقوق بین الملل در تضاد باشد.

در حالی که برخی از نویسندگان استدلال می کنند که «هنجارهای اجباری حقوق بین الملل» اشاره ای به مجموعه حقوقی است که در سطح بین المللی به عنوان *ius cogens* به رسمیت شناخته شده است، برخی دیگر بر این باورند که این اصطلاح مستقلی در حقوق اساسی سوئیس است که می تواند به طور گسترده تر تفسیر شود و

هنجارهای اساسی حقوق بین الملل که هنوز به وضعیت *ius cogens* نرسیده اند را نیز شامل شود. پارلمان فدرال و دولت فدرال سوئیس تعریف محدودی از این واژه را پذیرفته اند و آن را محدود به قواعدی کرده اند که برای جامعه بین المللی آنقدر اهمیت اساسی دارند که باید برای هر دولتی که به حاکمیت قانون احترام می گذارد الزام آور تلقی شود. گفته می شود که این قواعد شامل ممنوعیت نسل کشی، برده داری و شکنجه و ضمانت های اصلی حقوق بشردوستانه بین المللی و تضمین های غیرقابل انحراف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می شود (Moeckli, 2011, 781). با توجه به تعریف محدود «هنجارهای اجباری حقوق بین الملل» در رویه دولت و پارلمان فدرال سوئیس، این شرط مانع عمده ای در مقلیل ابتکارهای مردمی ناقض حقوق اقلیت ها ایجاد نمی کند. تا کنون تنها یک ابتکار عمومی به دلیل نقض یک هنجار اجباری حقوق بین الملل بی اعتبار اعلام شده است؛ در سال ۱۹۹۶ پارلمان فدرال ابتکاری را که خواستار اخراج فوری همه پناهجویانی که به طور غیرقانونی وارد کشور شده‌اند را مغایر با «هنجارهای اجباری حقوق بین الملل» تشخیص داد.

## ۲ استبداد اکثریت و نقض حقوق اقلیت ها

در این بخش، ابتدا مبانی نظری احتمال وقوع استبداد اکثریت و نقض حقوق اقلیت در دموکراسی مستقیم را مطالعه می کنیم. سپس اشاره ای به یافته های تجربی از نتایج ابتکارات مردمی در سوئیس و ایالت های آمریکا که به طور گسترده ای از ابزارهای دموکراسی مستقیم در امر قانونگذاری بهره می برند، خواهیم داشت.

یکی از اصلی ترین کارویژه های قانونگذاری، تبدیل اختلاف و منازعه به سازش و همزیستی مسالمت آمیز از طریق بازتاب و انعکاس عقاید متنوع و متفاوت موجود در یک جامعه ی سیاسی است (والدرون، ۱۳۹۷، ۸) اما روند ابتکار مردمی کارویژه ی قانونگذاری مبنی بر نمایندگی کردن از یک جامعه متنوع از جمله اقلیت ها را کنار می گذارد. در یک ابتکار مردمی هیچ حفاظتی برای اطمینان از شنیده شدن صدای گروه های اقلیت وجود ندارد در حالی که این تدابیر در روند قانونگذاری در دموکراسی نمایندگی وجود دارد (Junejo, 2016, 880). آرای مردمی عموماً قانون اکثریت خالص را ترویج می کند و بنابراین اغلب مظنون به تهدید حقوق اقلیت می باشد (Matsusaka 2004, 115). جان استوارت میل و آلکسی دو توکویل بیم از آن داشتند که حاکمیت اکثریت، حکومت استبدادی اکثریت را در پی داشته باشد (Raphael, 1990, 87) و کارل کوهن می نویسد: «تهدید یک اکثریت ستمگر، امری واقعی است و منتقدان دموکراسی همواره از آن بیمناک بوده و بر آن تأکید ورزیده اند» (کوهن، ۱۳۷۳، ۱۱۳). مدیسون از آن نظریه پردازان برجسته دموکراسی بر این باور بوده که منافع گروه های اقلیت در برابر منافع اکثریت آسیب پذیر است (بشیریه، ۱۳۸۰، ۶۵). این نگرانی که دموکراسی مستقیم ممکن است خود را در معرض استبداد اکثریت قرار دهد، در ذهن پدران بنیانگذار ایالات متحده وجود داشت. جیمز مدیسون اظهار داشت که با مشارکت مستقیم شهروندان در تصمیم گیری های دولتی، «تدابیر اغلب نه بر اساس قاعده عدالت و حقوق طرف کوچک، بلکه توسط نیروی برتر اکثریت ذی نفع و غالب اتخاذ می شوند» (Madison, 1787, 4) بنابراین در یک جمهوری نه تنها محافظت از جامعه در برابر ظلم حاکمان آن، بلکه محافظت از بخشی از جامعه در برابر بی عدالتی بخش دیگر اهمیت زیادی دارد (Madison, 1788, 2). انواع دموکراسی های مبتنی بر نمایندگی تا حدی با هدف

حفاظت از منافع اقلیت ها از طریق مجموعه ای از مکانیسم ها طراحی شده اند. با این حال، هنگامی که نهاد دموکراتیک یک فضای نسبتاً خالص دموکراسی مستقیم است، جایی که همه شهروندان واجد شرایط فرصت انتخاب دارند، محافظت در برابر استبداد اکثریت دشوارتر می شود. (Butler & Ranney, 1978, 27)

یک مطالعه تجربی که تأثیر استفاده از ابزارهای دموکراسی مستقیم بر حقوق مدنی و حقوق اقلیت ها در ۵۲ کشور شامل دموکراسی های صنعتی پیشرفته و دموکراسی های پساکمونیستی در اروپای مرکزی و شرقی و کشورهای آمریکای لاتین را مورد بررسی قرار داده، پس از کنترل ترجیحات رای دهندگان و مجموعه ای از متغیرها به این نتیجه رسیده که یک اثر محدود کننده کلی دموکراسی مستقیم بر حقوق اقلیت ها یا حقوق مدنی وجود دارد (Bochsler & Hug, 2009, 22). مطالعه دیگری بر اساس تجزیه و تحلیل داده های رقابت های مبتنی بر دموکراسی مستقیم به این نتیجه رسیده که اقلیت ها بیشتر احتمال دارد در این رقابت ها شکست بخورند تا برنده شوند (Haider-Markel et al, 2007, 305). یافته های تجربی برخی از پژوهشگران نشان می دهد که نتایج ابتکارات مردمی در ایالت های مختلف آمریکا تأثیر منفی بر آمریکایی های آفریقایی تبار، غیر انگلیسی زبانان و سایر گروه های اقلیت داشته است (Junejo, 2016, 876). تحریم قوانین اسلامی از موضوعات مورد توجه ابتکارات مردمی در ایالت های آمریکا در دهه های اخیر می باشد. به عنوان نمونه در سال ۲۰۱۰ رای دهندگان ایالت اوکلاهما با اکثریت قاطع ابتکاری را تصویب کردند که دادگاه های ایالتی را از استناد به قوانین اسلامی در احکام خود منع می کرد. یک دادگاه فدرال حکم داد که این اقدام خلاف قانون اساسی است زیرا مستلزم تبعیض و رفتار نابرابر بین مذاهب می شود (Junejo, 2016, 896). در نمونه ای دیگر در سال ۲۰۱۴ رای دهندگان ایالت آلاباما با اکثریتی قاطع ممنوعیت استناد دادگاه های ایالت به قوانین خارجی را تصویب کردند، که راهی برای ممنوعیت قوانین اسلامی بدون تبعیض بین مذاهب بود. علاوه بر ایجاد هراس بی اساس علیه مسلمانان، ممنوعیت های قوانین اسلامی می تولد تأثیر مخرب قابل توجهی بر مسلمانان آمریکایی در زمینه حقوق خانواده داشته باشد (Junejo, 2016, 896). مطالعه دیگری که در کالیفرنیا انجام شد به این نتیجه رسید که؛ در سیستم دموکراسی مستقیم، سوگیری کلی ضد اقلیت وجود ندارد اما زمانی که طرح ها صریحاً اقلیت های نژادی و قومی را هدف قرار می دهند، این اقلیت ها و به ویژه لاتین تبارها مرتباً بازنده می شوند (Hajnal, Gerber & Louch, 2002, 154). در ایالت های مختلف آمریکا از دهه ۱۸۰۰ تا کنون ابتکاراتی علیه اقلیت ها به کار گرفته شده است. قربانیان تغییر کرده اند، اما ابزار تغییر نکرده است. آنچه در طول این سال ها ثابت بوده این است که اکثریت از روند ابتکار مردمی برای آسیب رساندن به حقوق و منافع اقلیت ها سوء استفاده کرده اند (Junejo, 2016, 896). در سال ۲۰۱۰ آدریان فاتر و دنیز داناجی تجزیه و تحلیل جامعی در مورد نتایج همه ی ۱۹۳ رأی گیری مردمی (شامل هر سه ابزار همه پرسی اجباری، همه پرسی اختیاری و ابتکار مردمی) که از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۷ در سطوح فدرال و کانتونی در سوئیس برگزار شده بود و بر منافع اقلیت ها تأثیر گذار بودند، انجام دادند و دریافتند که اقلیت ها در آرای مردمی در مقایسه با نهادهای نمایندگی وضعیت بدتری دارند (Moeckli, 2011, 780). یافته های تجربی آنا کریستمان و دنیز داناجی دو تن از پژوهشگران دانشگاه زوریخ در مورد ابتکارهای مردمی سوئیس نیز این امر را تایید می کند که دموکراسی مستقیم بر حقوق اقلیت ها تأثیرات منفی دارد اما این اثرات محدود به اقلیت های برون-گروهی مانند مسلمانان سوئیس که هم اقلیت مذهبی غیر مسیحی هستند و هم حدود نود درصد آنان تابعیت خارجی دارند، می باشد. (Christmann & Danaci, 2012, 155; Moeckli, 2011, 780)



مباحث این بخش را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که؛ اولاً، به لحاظ نظری احتمال وقوع استبداد اکثریت و نقض حقوق اقلیت از طریق ابزارهای دموکراسی مستقیم از جمله ابتکارهای مردمی وجود دارد. ثانیاً، یافته‌های تحقیقات مربوط به تحلیل نتایج ابتکارات مردمی و همه‌پرسی‌ها در طیف وسیعی از کشورها نشان می‌دهد دموکراسی مستقیم و ابتکار مردمی دارای اثرات محدود کننده بر حقوق اقلیت‌ها می‌باشند. ثالثاً، تحلیل نتایج رای‌گیری‌های ذیربط در سطوح فدرال و کانتون‌های سوئیس بر این امر صحه می‌گذارد که دموکراسی مستقیم بر حقوق اقلیت‌های سوئیس تأثیرات منفی دارد اما این اثرات محدود به اقلیت‌های برون-گروهی به ویژه مسلمانان سوئیس می‌باشد.

### ۳ نقض حقوق و اعمال تبعیض علیه مسلمانان سوئیس از طریق ابتکارهای مناره و برقع

در این بخش از پژوهش و در حد مجال این مقاله نقض حقوق مسلمانان سوئیس و اعمال تبعیض علیه آنان از طریق ابتکارهای مردمی ممنوعیت ساخت مناره برای مساجد و ممنوعیت برقع (ممنوعیت پوشاندن صورت در اماکن عمومی) را بررسی می‌کنیم. به منظور مستند و دقیق بودن بحث، عمدتاً از منابع رسمی منتشر شده توسط دولت سوئیس در مورد ابتکارهای مردمی مورد مطالعه بهره برده ایم. با توجه به اینکه سوئیس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را پذیرفته، نقض حقوق و اعمال تبعیض علیه مسلمانان سوئیس در اثر تصویب ابتکارهای مذکور را طبق مفاد و الزامات همین دو سند بررسی می‌کنیم. در ضمن به فراخور هر مطلب به وضعیت این حقوق در قانون اساسی فدرال سوئیس پیش از تصویب این ابتکارها هم اشاره ای خواهیم داشت.

#### ۳.۱ نقض حقوق مسلمانان سوئیس در اثر تصویب ابتکارهای مناره و برقع

در پی و بر اثر تصویب این دو ابتکار حقوق مسلمانان سوئیس به این شرح نقض شده و می‌شود:

##### ۳.۱.۱ نقض آزادی مذهب

ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۵ قانون اساسی فدرال سوئیس تقریباً با مفاد یکسان آزادی اندیشه، عقیده و مذهب را شناسایی نموده‌اند. این مواد آزادی مذهب را تضمین و از شهروندان در برابر هرگونه مداخله دولت که ممکن است بر اعتقادات مذهبی آنها تأثیر بگذارد محافظت می‌کند و به افراد این حق را می‌دهد که در بیان و اجرای عقاید دینی خود با مقررات غیرموجه دولتی محدود نشوند. این حق شامل آزادی درونی برای داشتن باورهای دینی و آزادی بیرونی برای بیان، عمل و انتشار آنها در حدود معین است (BGE 123 I 296). با این حال، طبق رویه قضایی، آزادی مذهب از تمام رفتارهای مرتبط با دین حمایت نمی‌کند (BGE 125 I 369, 379). رویه قضایی و دکتوری سوئیس متفق القول هستند که جلوه بیرونی آزادی دینی به محتوای اصلی خدشه‌ناپذیر آزادی مذهبی تعلق ندارد. بنابراین، حق بیان و ابراز عقاید ممکن است محدود شود، در صورتی

که محدودیت براساس یک مبنای قانونی کافی و بر اساس الزامات اصل ۳۶ قانون اساسی مطابق با منافع عمومی مهم و رعایت اصل تناسب باشد (BGE 123 I 302). مطابق بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آزادی ابراز مذهب یا عقیده ممکن است فقط مشمول محدودیت هایی باشد که توسط قانون پیش بینی شده و در یک جامعه دموکراتیک برای امنیت عمومی، برای حفظ نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا برای حمایت از حقوق و آزادی های دیگران ضروری است. اکنون باید بررسی کنیم اولاً، آیا مناره ی مساجد و برقع از مصادیق بیرونی مذهب هستند و باید تحت حمایت تضمین های حقوق بشری قرار گیرند و ثانیاً، آیا در ابتکارهای مردمی مناره و برقع برای محدود کردن آزادی مذهبی مسلمانان سوئیس، شروط مندرج در ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی شده است یا خیر.

استدلال پیشنهاد کنندگان ابتکار مناره این بود که مناره به عنوان یک ساختمان هیچ ویژگی مذهبی ندارد زیرا حتی در قرآن به آن اشاره نشده است. بنابراین، ممنوعیت ساخت مناره‌ها به هیچ وجه آزادی مذهب را نقض نمی کند (BBI 2008 7603 ff., 7631) اما همانگونه که در پیام رسمی دولت فدرال سوئیس راجع به ابتکار مذکور نیز ذکر شده، تردیدی وجود ندارد که مناره جزء تفکیک ناپذیر مسجد بوده و ساخت و نگهداری مناره به عنوان بیانی قابل درک از تعهد به اسلام مشمول آزادی مذهبی است (BBI 2008 7603 ff., 7632). کمیت حقوق بشر سازمان ملل متحد تأکید می کند که حق افراد برای ابراز دین گستره وسیعی از اعمال از جمله ساخت عبادتگاه و پوشیدن لباسهای متمایز و پوشش هایی برای سر را شامل میشود (شمسی، ۱۳۹۰، ۱۵۴). وقتی زنی در غرب حجاب را انتخاب میکند و آن را به عنوان نوعی نشانگان اجتماعی در انظار دیگران قرار می دهد، به وسیله آن پیامی از مبانی فکری او به دیگران منعکس می شود (امامی و عمیدی مظاهری، ۱۳۹۹، ۲۷). از این رو برقع یا پوشش صورت هم از جمله نمادهای مذهبی برخی از زنان مسلمان و علی القاعده مشمول حمایت تضمین های حقوق بشری می باشد.

پیشنهاد دهندگان مناره مساجد را با تعصب مذهبی و فعالیت های خشونت آمیز اسلام گرایان مرتبط می دانند و آنها را «چراغ جهاد» و «نماد یک ادعای دینی بی قید و شرط و نابردباری همراه با آن هستند که از دور دیده می شود». (Freysinger, 2009, 1) و تلاش کرده اند ممنوعیت ساخت مناره را با لزوم حفظ امنیت جامعه توجیه کنند. این استدلال غیرقابل دفاع است چرا که سه مناره موجود و نسبتاً نامحسوس مساجد ژنو، ویترتور و زوریخ، نمادهای حضور اسلام در سوئیس هستند که اکثریت قریب به اتفاق پیروان آن صلح جو هستند و به نظم حقوقی و اجتماعی احترام می گذارند و اسلام دیگر یک دین خارجی نیست، بلکه به طور فزاینده ای یک دین سوئیسی است (BBI 2008 7603 ff., 7632). استناد آغاز کنندگان ابتکار ممنوعیت برقع به حفظ امنیت هم نادرست است زیرا هیچ دلیلی مبنی بر وجود رابطه بین حجاب و پوشش و اقدامات ضد امنیتی وجود ندارد. ممنوعیت نمادهای اسلامی از جمله مناره و حجاب و برقع ممکن است حتی اثرات معکوس را نیز به همراه داشته باشد زیرا می تواند جمعیت مسلمان میانه رو را که این ممنوعیت ها را توهین آمیز می دانند، طرد کند و در نتیجه وسوسه شوند که به گروه های افراطی بپیوندند. از سوی دیگر، ساخت مناره و آزادی پوشش این مزیت را خواهد داشت که عمل به دین اسلام را آشکارتر و شفاف تر می کند. به هر حال دلیل قانع کننده ای وجود ندارد که ثابت کند ممنوعیت کلی ساخت مناره ها و ممنوعیت پوشش صورت در سوئیس می تواند به نفع امنیت عمومی در این کشور باشد. به عکس، تروریسم مدرن در سراسر جهان

منعطف عمل می کند و به یک مکان و یا پوشش خاص وابسته نیست. مشخص نیست که مناره‌هایی که طبق مقررات طراحی و ساخته می‌شوند و برقع برخی زنان مسلمان چگونه می‌تواند نظم دولتی دموکراتیک در سوئیس را به خطر بیندازند.

### ۳.۱.۲ نقض حقوق اقلیت

ابتکارهای ممنوعیت مناره و برقع مفاد ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مبنی بر حمایت از اقلیت‌ها را نیز نقض می‌کند. این ماده تصریح دارد در کشورهایی که دارای اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی هستند، اعضای این اقلیت‌ها نباید از حق برخورداری از زندگی فرهنگی خود، اظهار و انجام مذهب خود یا استفاده از زبان خود همراه با سایر اعضای گروه خود محروم شوند.

### ۳.۲ اعمال تبعیض علیه مسلمانان سوئیس در اثر تصویب ابتکار های مناره و برقع

تبعیض بیانگر شکل واجد شرایطی از رفتار نابرابر با افراد در موقعیت‌های قابل مقایسه است، به این صورت که باعث می‌شود یک فرد در شرایط نامساعدی قرار گیرد، که باید به عنوان تحقیر یا طرد طبقه‌بندی شود، زیرا این رفتار نابرابر به ویژگی متمایزکننده‌ای مرتبط است که جزء اساسی هویت اوست (BBI 2008 7603 ff., 7616). ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر منع تبعیض را به این شرح تنظیم می‌کند: بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون بدون تبعیض، به ویژه بر اساس جنسیت، نژاد، رنگ پوست، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، منشاء ملی یا اجتماعی، وابستگی به اقلیت ملی، دارایی، تولد یا وضعیت‌های دیگر. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تأکید میکند که محدودیت‌های در نظر گرفته شده در بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نباید دارای ماهیت تبعیض آمیز باشد و ضروری است با هدفی که برای آن در نظر گرفته شده است رابطه مستقیم و تناسب داشته باشد و نباید سبب تباهی حق آزادی دینی شود. این کمیته محدودیت‌هایی غیر از آنچه در بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مجاز شناخته شده، مانند امنیت ملی را برای اعمال محدودیت نسبت به اقلیت‌های دینی را مجاز نمی‌داند (شمسی، ۱۳۹۰، ۱۵۴). اصل ۸ قانون اساسی سوئیس تصریح می‌کند که همه مردم در برابر قانون برابر هستند و هیچ‌کس نمی‌تواند به ویژه به دلیل اصالت، نژاد یا اعتقادات مذهبی، ایدئولوژیکی یا سیاسی مورد تبعیض قرار گیرد. طبق بند ۴.۲ رای شماره BGE 131 I 1 مورخ ۲۳ نوامبر ۲۰۰۴ دیوان عالی فدرال سوئیس، تصمیم یا حکمی که تمایزات قانونی ایجاد کند به نحوی که دلیل معقولی در شرایطی که باید تنظیم شود، وجود نداشته باشد، اصل برابری در برابر قانون را به مفهوم بند ۱ اصل ۸ قانون اساسی نقض می‌کند. بنابراین، هر نوع رفتار متفاوت، رفتار نابرابر خلاف قانون اساسی تلقی نمی‌شود بلکه رفتار نابرابری ناقض بند ۱ اصل ۸ قانون اساسی است که فاقد توجیه منطقی باشد. از آنجایی که یک مناره مسجد با هر بنای مذهبی دیگری که یک برج بلند دارد تفاوتی ندارد، نمی‌توان دلیل موجهی متصور شد که بتواند ممنوعیت کلی همه مناره‌ها را توجیه کند و در عین حال بناهای مذهبی مشابهی مانند برج‌های کلیساها را مجاز بداند. با ممنوعیت در نظر گرفته شده برای ساخت مناره‌ها و پوشش برقع، این ابتکارات مردمی منحصراً نماد دینی اسلام را هدف قرار داده است، در حالی که نمادهای ساختاری قابل مقایسه سایر ادیان مانند برج‌های ناقوس کلیساها و حمل

نشانه های صلیب یا کلاه های مخصوص یهودیان را شامل نمی شود. بنا بر این بدیهی است که در این موارد رفتار نابرابر بر اساس معیار دین وجود دارد.

در سه بخش این مقاله کوشش کردیم با مطالعه یافته های پژوهش های نظری و با توجه به تحقیقات مربوط به داده های نتایج رأی گیری های ابتکارهای مردمی به پاسخ این پرسش دست بیابیم که آیا ابتکارات مردمی ممنوعیت ساخت مناره و ممنوعیت برقع در اماکن عمومی منجر به استبداد اکثریت و نقض حقوق مذهبی مسلمانان سوئیس مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی شده است یا خیر .

در این پژوهش دریافتیم که به لحاظ نظری احتمال وقوع استبداد اکثریت و نقض حقوق اقلیت از طریق ابزارهای دموکراسی مستقیم از جمله ابتکارهای مردمی وجود دارد. همچنین یافته های تحقیقات مربوط به تحلیل نتایج ابتکارات مردمی و همه پرسی ها در طیف وسیعی از کشورها نشان می دهد دموکراسی مستقیم و ابتکار مردمی دارای اثرات محدود کننده بر حقوق اقلیت ها می باشند. تحلیل نتایج رأی گیری های ذریبط در سطوح فدرال و کانتون های سوئیس بر این امر صحه می گذارد که دموکراسی مستقیم بر حقوق اقلیت های سوئیس تأثیرات منفی دارد اما این اثرات محدود به اقلیت های برون -گروهی به ویژه مسلمانان سوئیس می باشد.

با انطباق مفاد ابتکارهای مورد مطالعه با اسناد حقوق بشری لازم الاجراء برای دولت سوئیس به این نتیجه دست یافتیم که نتایج رأی گیری های مربوط به ابتکارات مردمی مناره و برقع موجب نقض آزادی های مذهبی مسلمانان سوئیس گردیده و همچنین در مقایسه با پیروان سایر ادیان، مسلمانان را از حیث اماکن مذهبی و نوع پوشش تحت تبعیض قرار داده است. توضیح اینکه مفاد ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد و ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد تضمین آزادی های مذهبی و مفاد ماده ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مبنی بر حمایت از اقلیت ها در خصوص مسلمانان سوئیس نقض شده و محدودیت های پیش بینی شده علیه مسلمانان سوئیس شروط مندرج در بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد را رعایت ننموده و در حقیقت ممنوعیت ساخت مناره و ممنوعیت برقع نه ضرورت داشته و نه اقدامات متناسبی بوده لند. همچنین دریافتیم که نتایج هر دو ابتکار مردمی مورد بحث مفاد ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مبنی بر منع تبعیض را نقض کرده اند زیرا ممنوعیت های اعمال شده صرفاً نمادهای بیرونی اسلامی را هدف گرفته و در حالی این محدودیت ها بدون هیچ گونه توجیه معقولی علیه مسلمانان اعمال می شود که در خصوص اماکن مذهبی و پوشش و نمادهای پیروان سایر ادیان در سوئیس هیچ محدودیتی اعمال نمی شود.

- آلن دوبنوا (۱۳۷۸)، تأمل در مبانی دموکراسی، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران: نشر چشمه، چاپ اول.
- امامی، سید مجید و عمیدی مظاهری، نوید (۱۳۹۹)، «صورت بندی مسئله حجاب زن مسلمان در اروپا، از هویت اروپایی تا حقوق فرهنگی»، مطالعات جنسیت و خانواده، سال هشتم، شماره اول، صص ۱۱-۳۹.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، درسهای دموکراسی برای همه، تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر، چاپ اول.
- شمسی، احمد رضا (۱۳۹۰)، «تعهدات حقوقی بین المللی اروپا در خصوص آزادی حجاب»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۷۰.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۱)، بایسته های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ هشتم.
- کریمی، غلامرضا (۱۳۸۹)، «روند تحولات اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر»، مجموعه مقالات همایش اسلام هراسی پس از ۱۱ سپتامبر علل، روندها و راه حلها، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول، صص ۹۹-۱۲۸.
- کوهن، کارل (۱۳۷۴)، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
- والدرون، جرمی (۱۳۹۷)، قانونگذاری؛ مفاهیم، نظریه ها و اصول، ترجمه حسن و کیلیان، تهران: نگاه معاصر، چاپ اول.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی های سیاسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- هکی، فرشید (۱۳۸۹)، گفتمان حقوق بشر برای همه، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
- یزدان پناه، محمد؛ عیسی پور، محمد و نجات پور، مجید (۱۳۹۱)، «هویت اسلامی مهاجرین و امنیت فرهنگی اروپاییان، پیامدها و چالشها»، مطالعات سیاسی زنان، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۴۳.

BBi 2019 2913, Botschaft zur Volksinitiative «Ja zum Verhüllungsverbot» und zum indirekten Gegenvorschlag (Bundesgesetz über die Gesichtsverhüllung). Available at: <https://www.fedlex.admin.ch/eli/fga/2019/868/de>

BBi 2008 7603, Botschaft zur Volksinitiative «Gegen den Bau von Minaretten». Available at: <https://www.fedlex.admin.ch/eli/fga/2008/1294/de>

Benedikter, Thomas(2021), When citizens decide by themselves An introduction to direct democracy, EdiPOLITiS - South Tyrol's Center for Political Studies and Civic Education, Eppan.

BFS(Bundesamt für Statistik)(2022), Religionen. Available at: <https://www.bfs.admin.ch/bfs/de/home/statistiken/bevoelkerung/sprachen-religionen/religionen.html>

Bochsler, Daniel; Hug, Simon(2009), How minorities fare under referendums; A cross-national study, Department of Political Science, University of Geneva, Paper prepared for presentation at the ECPR General Conference Potsdam 10-12 September 2009, Geneva.

Butler, David; Ranney, Austin(1978), Theory In Referendums: A comparative study of practice and theory, 23-37. Washington, DC: American Enterprise Institute American Enterprise Institute for Policy Research.

Chantebout, Bernard (1991), Droit constitutionnel et science politique, Paris, Dalloz.

Christmann, Anna; Danaci, Deniz(2012), Direct Democracy and Minority Rights: Direct and Indirect Effects on Religious Minorities in Switzerland, Politics and Religion, 5, 133–160.

Freysinger, Oskar(2009), JA zur Minarett-Initiative, 3. Oktober 2009. Available at: <https://www.svp.ch/news/artikel/referate/ja-zur-minarett-initiative/>

Haider-Markel, Donald P; Querze, Alana; Lindaman, kara(2007), Lose, Win, or Draw? A Reexamination of Direct Democracy and Minority Rights, Political Research Quarterly, University of Utah, Vol. 60, No.2, Pp. 304-314.

Hainmueller, Jens; Hangartner, Dominik(2019), Does Direct Democracy Hurt Immigrant Minorities? Evidence from Naturalization Decisions in Switzerland,

American Journal of Political Science, Midwest Political Science Association, Vol. 63, No. 3, July 2019, Pp. 530–547

Hajnal, Zoltan L; Gerber, Elisabeth R; Louch, Hugh(2002), Minorities and Direct Legislation: Evidence from California Ballot Proposition Elections, Journal of Politics, Vol. 64, No.1, Pp. 154 -177.

Jones, Richard W; Scully, Roger(2012), Wales Says Yes: Devolution and the 2011 Welsh Referendum, Cardiff, University of Wales Press.

Junejo, Samir (2016), Majority Rule: How the Ballot Initiative Process Hurts Minorities, Seattle Journal for Social Justice, Vol. 14, No.3, Pp. 875-914.

Linder, Wolf; Mueller, Sean(2021), Swiss Democracy; Possible Solutions to Conflict in Multicultural Societies, Palgrave Macmillan, Springer Nature Switzerland AG, Cham, 4th ed.

Madison, James(1787), Federalist No. 10 Available at: [https://liberalarts.utexas.edu/coretexts/\\_files/resources/texts/c/1787%20Federalist%20No%2010.pdf](https://liberalarts.utexas.edu/coretexts/_files/resources/texts/c/1787%20Federalist%20No%2010.pdf)

Madison, James(1788), Federalist No. 51 Available at: [https://liberalarts.utexas.edu/coretexts/\\_files/resources/texts/c/1788%20Federalist%20No%2051.pdf](https://liberalarts.utexas.edu/coretexts/_files/resources/texts/c/1788%20Federalist%20No%2051.pdf)

Matsusaka, John G(2004), For the Many or the Few: The Initiative, Public Policy, and American Democracy, Chicago, IL: University of Chicago Press.

Matsusaka, John G(2005), Direct democracy works, Journal of Economic Perspectives, Vol. 19, No. 21, Pp. 85 – 206.

Moeckli, Daniel(2011), Of Minarets and Foreign Criminals: Swiss Direct Democracy and Human Rights, Human Rights Law Review, Vol. 11, No. 4, Pp. 774 – 794.

Schuler, Martin ; Dessemontet, Pierre(2013), The Swiss Vote on Limiting Second Homes Journal of Alpine Research, Hors-Série, Available at: <https://journals.openedition.org/rga/1872>



Verhulst, Jos; Nijeboer, Arjen(2007), Direct Democracy; Facts and Arguments about the Introduction of Initiative and Referendum, Translation: David Calderhead, Democracy International, Brussels.